

تدوین ابزار خودارزیابی ترجمان دانش^۱ مربوط به پژوهشگران علوم انسانی

فهیمة باب‌الحوائجی^۲، اورانوس تاج‌الدینی^{۳*}، فاطمه نوشین فرد^۴، نجلا حریری^۵

دریافت: ۹۲/۲/۸ پذیرش: ۹۲/۶/۲۵

چکیده

هدف: یکی از عوامل تسریع‌کننده چرخه دانش، ترجمان دانش نام دارد که به معنای تبادل، سنتز و کاربرد یافته‌های پژوهش به واسطه سیستم پیچیده‌ای از ارتباطات بین پژوهشگران و استفاده‌کنندگان از دانش است. این پژوهش با هدف تدوین ابزار خودارزیابی ترجمان دانش برای پژوهشگران علوم انسانی صورت گرفته و طی آن تلاش شده است تا ابزاری برای ارزیابی فعالیت‌های ترجمان دانش حاصل از پژوهش این دسته از پژوهشگران، شناسایی و استخراج شود.

روش‌شناسی: این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی پدیدارشناسی^۶ و ابزار مورد استفاده در آن، مصاحبه نیمه‌طراحی شده است. مصاحبه‌شوندگان در پژوهش حاضر، ۲۱ عضو هیئت علمی گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از رشته‌های مختلف علوم انسانی بودند که بیشترین تعداد پژوهش را در حیطه علمی خود داشتند. روایی یافته‌ها با روش‌های تطبیق، توسط اعضا و بررسی همکار تضمین شده است. یافته‌ها: پس از کدبندی، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابزاری با توجه به پنج بخش اصلی مسئله پژوهش، نتایج پژوهش، انتقال دانش، اشتراک دانش و کاربرد دانش طراحی شد. در تدوین گزینه‌های این ابزار برای نشان دادن میزان تناسب هر گزینه با وضعیت مناسب در ارزیابی ترجمان دانش، از طیف پنج‌تایی استفاده شده است. این تحقیق اصول مورد نیاز و همچنین حلقه‌های واسطه از «تولید دانش» تا «استفاده از دانش» را تبیین می‌کند که از طریق آنها می‌توان با فواصل موجود بین «استفاده از دانش منتج از پژوهش» و «تولید دانش» آشنا شد.

واژه‌های کلیدی: ابزار خودارزیابی، پژوهشگران علوم انسانی، ترجمان دانش.

1. Knowledge Translation

F.babalhavaeji@gmail.com

Tajedini.o@gmail.com

Nooshinfar2000@yahoo.com

Nadjlahariri@gmail.com

6. Phenomenology

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، تهران، ایران.

۴. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، تهران، ایران.

۵. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه و در عصر اقتصاد اطلاعات، دانش منبع ارزشمندی به‌شمار می‌رود و به همین علت خلق، سازماندهی، ذخیره و به‌کارگیری دانش برای سازمان‌ها امری ضروری شناخته می‌شود؛ زیرا در جهان کنونی تولید کالاها و ارائه خدمات به شدت دانش‌مدار شده است (برینک و بله^۱، ۲۰۰۹). دانش، نیاز به مواد خام، نیروی کار، زمان، مکان و سرمایه را کاهش می‌دهد و طبیعی است که به یکی از منابع اصلی اقتصاد جوامع در حال توسعه تبدیل شود؛ پس ایجاد بنیان‌های دانش، لوازم و ابزار توسعه دانش و گسترش روزافزون دانش در همه ابعاد، باید از اولویت‌های فکری دولت‌مردان و مدیران سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی تلقی شود. در این زمینه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ناگزیرند راهبردهایی را برای انتقال دانش حاصل از پژوهش به افراد مناسب در زمان مناسب و به شیوه‌ای مناسب فراهم کنند؛ زیرا در نهایت سازمان‌هایی در تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر دانش موفق عمل می‌کنند که روی سرمایه‌های دانشی خود سرمایه‌گذاری کنند و بی‌تردید این سازمان‌ها فاتحان عرصه علم خواهند بود (صدیقی، ۱۳۸۷).

در دنیای دانش‌محور امروزی دیگر قدرت رقابتی در سازمان‌ها تنها بر پایه سود مادی نیست، بلکه بیشتر بر پایه تولید و رشد کالاها و خدمات مبتنی بر دانش است (جعفرزاده کرمانی، ۱۳۹۰). در هیاهوی دنیای کنونی بقا و ماندگاری در عرصه رقابت به مقابله با چالش‌هایی بستگی دارد که مدیریت صحیح دانش، پاسخگوی آن است. بنابراین برای موفقیت در محیط‌های رقابتی دانش‌محور باید به دانش لازم به شیوه‌ای مؤثرتر از دیگران دست یافت. نکته شایان توجه در این میان، ماهیت غیرملموس و انتزاعی دانش است که مدیریت مؤثر آن را با چالش روبه‌رو کرده است.

همگام با تالوارزش دانش و دانایی، شاهد حضور واژگان جدیدی در این حیطه، نظیر مدیریت دانش، انتقال دانش، اشتراک دانش، ترجمان دانش و... هستیم، که هر کدام حوزه‌های وسیع و نوینی از دانش‌شناسی را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان دریچه نوینی به تحلیل بخشی از فرایند چرخه دانش می‌پردازند. ترجمان دانش واژه به نسبت جدیدی است که توسط مؤسسه تحقیقات پزشکی^۲ کانادا در اولین سال سده بیست و یکم تعریف شد، اما فکر پرکردن شکاف بین تحقیق و سیاست دست کم از اواسط سده بیستم شکل گرفت. این اصطلاح به فرایند پیوند «پژوهش» و «عمل» و نیز اطمینان از استفاده بهینه دانش مربوط به نتایج تحقیقات در بهبود سطح زندگی افراد اشاره دارد (ریچ^۳، ۱۹۷۹). پژوهشگران مختلفی برای کشف حلقه‌های موجود بین تولید دانش تا کاربرد آن در عمل تلاش کرده‌اند تا با شناسایی آنها در علوم و جوامع علمی گوناگونی که در کار تولید و به‌کارگیری دانش نقش دارند، بتوانند موجبات تسهیل فرایند ترجمان دانش را فراهم کنند، زیرا ترجمان دانش در تمامی حوزه‌های علوم بشری حائز اهمیت و دارای نقش اساسی است.

جامعه دانشگاهی، یکی از مهم‌ترین و معتبرترین سرمایه‌های انسانی هر کشور در تولید علم را تشکیل می‌دهند که می‌توانند با برنامه‌ریزی صحیح، به‌موقع و مطابق با نیازهای جامعه، در زمینه ارتقای کیفیت ارائه خدمات و تولیدات علمی مؤثر واقع شوند. در واقع مبانی پیشرفت و ارتقای هر کشور در نظام آموزش عالی آن کشور نهفته است. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها، مالک دانش ضمنی و عینی هستند. دانش ضمنی به‌شکل ملموس ارائه شدنی نیست و طی تدریس یا در نتیجه تجربه حرفه‌ای ناشی از مهارت‌های شناختی، توانایی حل مسئله و انجام پژوهش کسب می‌شود، در حالی که دانش عینی همچون گزارش‌های پژوهشی، جزوات و دیگر مدارک، لمس پذیر است (نوناکا و تاکه‌اوجی^۴، ۱۹۹۵؛ نقل در فضلی، ۱۳۹۰).

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، علوم انسانی در شاکله نظام آموزش عالی دارای نقش محوری است؛ پس همگان بر این باورند که تقویت این علوم و ارتقای بخشی به جایگاه آنها، نقش بسیار اساسی در رشد، نمو و تعالی نظام آموزشی جامعه خواهد داشت. بررسی ترجمان دانش در این حوزه علمی به دو دلیل حائز اهمیت است؛ یکی آنکه با توجه به پیشرفت روزافزون علم و استفاده بهینه از آن، اهمیت به‌هنگام بودن اطلاعات در علوم انسانی و همگامی آن با سایر علوم، بر کسی پوشیده نیست و هدف نهایی و آرمانی این علوم زمانی میسر خواهد شد که بتوانند همگام با تحولات فناورانه و رفتاری که در این حوزه به وجود می‌آید، دانش خود را به‌روز و نسبت به ارائه خدمات به پژوهشگران اقدام کنند. دیگر آنکه کسب معرفت از پدیده‌ها و رویدادهای انسانی و اجتماعی به‌عنوان واقعیات علمی، هدف بسیاری از عالمان و اندیشمندان قرار می‌گیرد و با استنتاج نظری و ارزیابی تحلیلی در علوم انسانی به تبدیل این علوم به محصولات نظیر ابزارهای سنجش روانی و شخصیتی، تست‌های روان‌شناسی، آزمون‌های هوش، الگوهای ارتباطاتی، الگوهای اطلاع‌یابی، نظریه‌های اطلاعاتی و حتی مقالات و رساله‌های گوناگون و نیز ارائه نظریه‌های علمی مختلف در حیطه علوم انسانی منجر می‌شود.

با توجه به موارد بالا و نیز نقش محوری علوم انسانی در نظام آموزش عالی، مبرهن است که تقویت این علوم و ارتقای بخشی به جایگاه آنها نقش بسیار اساسی در رشد، نمو و تعالی نظام آموزشی جامعه خواهد داشت؛ پس این پژوهش در صدد است به تدوین ابزار خودارزیابی بپردازد که طی آن دست‌اندرکاران پژوهش در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دولتی و خصوصی در گروه‌های علوم انسانی، به شناسایی موانع انتقال دانش در حیطه خود بپردازند و بر اساس پاسخ‌هایی که به دست می‌آورند، راهکارهای مناسبی برای بهبود وضعیت تبادل و سنتز دانش پیشنهاد کنند.

مبحث ترجمان دانش با رویکردهای مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. مطالعه متون مرتبط، گویای این مطلب است که در رابطه با ترجمان دانش و ابعاد مختلف آن، پژوهش‌های انگشت‌شماری انجام شده است.

فضلی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی» با روش پیمایشی تحلیلی در بین نمونه‌ای هدفمند متشکل از ۱۲۹ نفر از اعضای هیئت علمی، کتابداران و دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی مستقر در هفت دانشگاه علوم پزشکی در ایران، با هدف آگاهی از فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی به این نتیجه دست یافت که بهره‌برداری صحیح از دانش و استفاده از نتایج پژوهش، موجب عدم اتلاف بودجه و زمان می‌شود، پس ساماندهی پژوهش‌ها به نحوی که نتایج آنها در عملکرد علمی ذی‌نفعان پژوهش تبلور پیدا کند، اهمیت دارد.

در پژوهش دیگری با عنوان «شناسایی موانع به کارگیری یافته‌های تحقیقاتی در عملکرد بالینی مراکز درمانی کشور»، صدیقی و همکاران (۱۳۸۹) موانع شناخته‌شده در امر به کارگیری نتایج پژوهش را چنین بیان کرده‌اند: ۱. حیطه‌سازمانی؛ ۲. کیفیت تحقیق؛ ۳. آگاهی و مهارت پرستار و ۴. موانع مربوط به دسترسی به نتایج تحقیق. از جمله موانع گزارش شده توسط پرستاران در حیطه‌سازمانی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- نبود زمان کافی برای مطالعه منابع جدید؛
- نبود اختیار کافی برای تغییر روش‌های مراقبتی بیماران؛
- کافی نبودن امکانات و تسهیلات موجود برای به کارگیری نتایج تحقیقات و
- عدم حمایت کافی از پرستاران از سوی سازمان‌های ذی‌ربط.

پرستاران همچنین اشاره می‌کنند که باید به این نوع موانع و حمایت‌های سازمان‌ها برای امور تحقیقاتی و تسهیل در غلبه بر این موانع از طرف ارگان‌ها، نگاه ویژه‌ای داشت.

نجات و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش دیگری با عنوان «خودارزیابی انتقال دانش در مؤسسات پژوهشی (کاربردی کردن الگوی ترجمان دانش)» به طراحی ابزاری برای خودارزیابی انتقال دانش در مؤسسات پژوهشی پرداختند که این ابزار شامل پنجاه عبارت در چهار حیطه مجزاست شامل: سؤال پژوهش، تولید دانش، انتقال دانش و ترویج استفاده از دانش. ابزار خودارزیابی سازمان‌های تولیدکننده دانش در واقع روشی برای شناسایی و فهرست کردن موانع انتقال دانش در سازمان است که به صورت

گروهی و نه به صورت فردی، به کار گرفته می‌شود و نکته مهم این است که این ابزار برای انجام دادن مطالعات پیمایشی و ارزیابی‌های کمی نتایج آنها تهیه نشده است. این ابزار همچنین امکان بررسی موانع انتقال دانش در سطح سازمان‌های تولیدکننده دانش را فراهم می‌کند.

لانه و روزرز^۵ (۲۰۱۱) در پژوهشی تطبیقی (که از طریق مصاحبه ساختاریافته با اعضای ارشد و مدیران شش سازمان ملی انجام دادند) اظهار می‌کنند که همه این سازمان‌ها به زمینه‌های کاری و مورد علاقه اعضای خود اهمیت داده‌اند و نیز به اشتراک یافته‌های پژوهشی سازمان خود برای استفاده بهینه از نتایج پژوهش‌های خود، با در نظر گرفتن تعهدات سازمانی علاقه‌مند هستند. آنها عواملی مانند ایجاد، شناسایی، ترجمان، انطباق، کاربرد، ارتقا، افزایش پذیرش و... را از جمله اعمال لازم بر ظرفیت‌های دانشی سازمان خود می‌دانند.

در پژوهش دیگری با عنوان «راهنمای تئوری ترجمان دانش»، استابروکز و همکاران (۲۰۰۶) دو عامل فناوری و زیرساخت را در حیطه ترجمان دانش مهم تلقی کردند. این محققان اظهار می‌کنند که رشد و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در جامعه امروز به حدی است که میزان توجه به آن را مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته‌اند. فناوری اطلاعات به دلیل تحول‌پذیری و قدرت تأثیر فراوانی که در رشد آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، امنیت ملی، جهانی شدن و تعدیل مشکلات اطلاع‌رسانی سنتی دارد، یکی از پویاترین و بحث‌انگیزترین رشته‌های علم محسوب می‌شود و دارای قابلیت‌های فراوانی به منظور انتقال دانش و تسهیل استفاده از نتایج پژوهش و سرعت بخشیدن به روند روبه‌رشد توسعه دانش و اطلاعات است.

روش‌شناسی پژوهش

طرح پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی پدیدارشناسی است. پژوهش کیفی نوعی از پژوهش است که یافته‌های آن از طریق روش‌های آماری یا ابزارهای کمی‌سازی به دست نیامده‌اند (اشتراوس و کورین، ۱۹۹۸؛ نقل در حریری، ۱۳۸۵). پژوهش کیفی به‌طور کلی با درکی انسان‌گرایانه و پدیدارشناختی به مطالعه کنش‌های اجتماعی می‌پردازد و تلاش خود را بر دید علمی از دیدگاه مؤلفه‌های انسانی متمرکز می‌کند. پدیدارشناسی ریشه در نهضت فلسفی هرسل دارد (حریری، ۱۳۸۵). مطالعات پدیدارشناسی اغلب با ادراکات، مفاهیم، نگرش و عقاید افراد سروکار دارد. در پدیدارشناسی به جای اینکه پرسیده شود چه چیز موجب چه چیزی می‌شود، تجربه آن چیز کاوش می‌شود. دو نوع پدیدارشناسی هرمنوتیک^۶ و پدیدارشناسی متعالی^۷ (تجربی) مشخص شده است (کرسول، ۲۰۰۷). پدیدارشناسی هرمنوتیک با تفسیر و درک متن یا به عبارت دیگر با

تأویل متن سروکار دارد. پدیدارشناسی متعالی، بیشتر بر توصیف تجارب شرکت کنندگان تأکید می‌کند. رویه‌هایی برای این رویکرد در نظر می‌گیرند که شامل شناسایی و درک پدیده مورد نظر و جمع‌آوری داده‌ها از افراد مختلفی است که در جریان پدیده هستند (موس تا کاس^۱، ۲۰۱۱). پژوهشگر از داده‌ها مفاهیم اصلی یا خوشه‌های مفهومی^۲ را استخراج و سپس آنها را به یک توصیف متنی و یک توصیف ساختاری^۳ تبدیل می‌کند. توصیف متنی تجربه شرکت کنندگان و توصیف ساختاری، چگونگی تجربه افراد بر حسب شرایط، موقعیت یا زمینه پدیده‌هاست. در نهایت، ترکیبی از توصیف متنی و ساختاری ارائه می‌شود تا جوهره اصلی^۴ تجربه برای خواننده نمایان شود. این پژوهش نیز بر اساس رویکرد پدیدارشناسی متعالی انجام شد و تجارب افراد را در مورد سنجش ترجمان دانش کاوش کرد.

در این پژوهش، از مصاحبه نیمه طراحی شده برای گردآوری اطلاعات و استخراج درک مصاحبه‌شوندگان از ترجمان دانش استفاده شد. محورهای اصلی پرسش‌ها، موانع و راهکارهای ترجمان دانش است. مباحث هر کدام از افراد با کسب اجازه از شرکت کنندگان ضبط و همزمان توسط پژوهشگر یادداشت برداری شد. گزارش اولیه با استفاده از مطالب ضبط و دست‌نویس شده تنظیم و گزارش نهایی پس از کدبندی، طبقه‌بندی اطلاعات و تحلیل آنها تهیه شد. برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش از کدگذاری باز و کدگذاری محوری استفاده شده است.

برآزش روایی پژوهش

منظور از روایی پژوهش اطمینان از دقیق بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، مشارکت کنندگان و خوانندگان گزارش پژوهش است (کرسول و میلر^۱، ۲۰۰۰). برای اطمینان از روایی پژوهش، اقداماتی در دو مرحله صورت گرفت:

- تطبیق توسط اعضا^۱، که در آن برخی مشارکت کنندگان در گزارش نهایی مرحله نخست، فرایند تحلیل یا مقوله‌های به دست آمده را بازبینی و نظر خود را درباره آنها بیان کردند؛
- بررسی همکار^۲، که در آن چهار نفر از اعضای هیأت علمی رشته اطلاعات و دانش‌شناسی به بررسی یافته‌ها و ثبت نظرات خود درباره آنها پرداختند.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۱ عضو هیئت علمی گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از رشته‌های مختلف علوم انسانی بودند که بیشترین تعداد

پژوهش را در حیطه خود داشتند^{۱۶}٪. انتخاب معیار «تعداد پژوهش‌ها» بر این اساس صورت گرفته است که ترجمان دانش اصولاً به فرایند پر کردن شکاف بین پژوهش و عمل اطلاق می‌شود و نظرات کسانی در این زمینه راهگشا خواهد بود که دستی بر آتش پژوهش دارند. از بین رشته‌های مختلف علوم انسانی به صورت تصادفی هدفمند انتخاب و سپس پژوهشگر مورد نظر آن رشته براساس معیار تعداد پژوهش‌ها برگزیده می‌شود. نمونه‌گیری تا آنجا ادامه پیدا کرد که پژوهشگران به اشباع^{۱۷} رسیدند. منظور از اشباع، شباهت شایان توجه اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها با اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های قبلی است.

جدول ۱. تعداد و گروه نمونه

تعداد افراد	گروه مورد مصاحبه
۰	مربی
۴	استادیار
۸	دانشیار
۹	استاد
۲۱	جمع

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، پژوهشگران برای دستیابی به ادراک افراد در زمینه ترجمان دانش در علوم انسانی با مطلعان کلیدی که تماس نظری و عملی ممتدی با مسئله پژوهش داشتند و دارای بیشترین تعداد پژوهش در حیطه خود براساس پایگاه اسکوپوس بودند، مصاحبه کردند و تجارب و نگرش‌های آنها را در این موضوع جویا شدند. در فرایند گردآوری اطلاعات کم کم مفاهیم و گزاره‌ها در این زمینه جمع می‌شدند، تا جایی که داده‌ها به تکرار رسیدند.

در زمینه تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها، ابتدا با بررسی متن مصاحبه‌ها از نظر عناصر دارای پیام در داخل متون، تلاش شد که کدهای باز استخراج شوند و سپس آن مفاهیم در قالب مقوله‌های بزرگ‌تری قرار گرفتند و بعد از آن مقوله‌ها نیز در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی طبقه‌بندی شدند. در مرحله دوم که کدگذاری محوری است؛ مقوله‌ها در قالب خوشه‌های بزرگ دسته‌بندی شدند.

مرحله کد گذاری باز: ۸۲ گزار مفهومی اولیه



مرحله کد گذاری محوری: ۵ گزاره مقوله‌ای اصلی و ۳۳ مقوله فرعی

مسئله پژوهش: جامعه استفاده‌کننده، اولویت‌ها، ظرفیت‌های پژوهشی، امکانات، جلسات هدفدار، اختصاص بودجه، اصل سهولت، جامعه هدف.
نتایج پژوهش: مشارکت، نیازهای واقعی، تضمین کیفیت، روزآمدی، اصل کاربرد.
انتقال دانش: آشنایی، دسترسی پیش از ارزیابی، پیام‌های انتقال‌پذیر، برنامه‌های آموزشی، پیام مناسب، دسترسی سریع، موانع، رسانه‌ها.
اشتراک دانش: بانک‌های اطلاعاتی، اعلام زمینه‌ها، همکاری، کنترل کیفیت، مهارت‌های ارتباطی، انگیزه، راه‌های تقویت.
کاربرد دانش: سهولت انتشار، بررسی استفاده، موانع، چگونگی انتشار، توجه به کاربرد عملی.

شکل ۱. فرایند مدیریت داده‌ها و تکامل مدل در دو مرحله کدگذاری

پس از کدبندی، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابزاری شامل سی و سه عبارت در پنج بخش اصلی طراحی شد. این بخش‌ها عبارتند از:

۱. مسئله پژوهش: آیا نیازهای جامعه‌ای که از نتایج پژوهش استفاده می‌کنند، در تصمیم‌گیری برای انتخاب موضوع یک پژوهش شناسایی می‌شوند؟
۲. نتایج پژوهش: آیا شواهد و نتایج حاصل از پژوهش، قابلیت کاربرد در تصمیم‌گیری‌ها را دارند؟
۳. انتقال دانش: آیا تمهیدات لازم برای انتشار نتایج پژوهش به جامعه هدف، در نظر گرفته شده است و اقدامات مناسب برای انتقال دانش صورت می‌گیرد؟
۴. اشتراک دانش: آیا سازوکارهای پذیرفتنی برای مبادله نتایج پژوهش با توجه به محیط و جو سازمانی مربوط به مخاطبان پژوهش در نظر گرفته شده است؟
۵. کاربرد دانش: آیا امکانات مناسب برای استفاده بهینه از نتایج پژوهش‌ها در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد؟

در اینجا باید به این نکته توجه کرد که بسیاری از موضوعاتی که به تقویت پژوهش منجر می‌شوند، انتقال دانش را نیز تقویت می‌کنند. در تدوین گزینه‌های این راهنما برای نشان دادن میزان تناسب هر گزینه با وضعیت مناسب در ارزیابی ترجمان دانش، از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است.

بخش اول: مسئله پژوهش

۱. آیا نیازهای جامعه‌ای که از نتایج پژوهش استفاده می‌کنند، در تصمیم‌گیری برای انتخاب موضوع یک پژوهش شناسایی می‌شوند؟

کاملاً موافق	مؤقتاً	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	
(++)	(+)	(-+)	(-)	(--)	
۵	۴	۳	۲	۱	آیا به‌طور کلی تصویری از جامعه‌ای را که قادر به استفاده از نتایج پژوهستان است در نظر می‌گیرید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا هنگام تصمیم‌گیری برای انجام پژوهش، اولویت‌های پژوهشی در موضوع مربوط را شناسایی می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا هنگام تصمیم‌گیری برای انجام دادن پژوهش، به زمینه‌های مورد نیاز و ظرفیت‌های پژوهشی اعلام شده از سوی سازمان‌های مربوط توجه دارید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا از تسهیلاتی (مانند تارنما، بانک اطلاعاتی و...) برای اطلاع از اولویت‌های تحقیقاتی استفاده می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا اختصاص بودجه پژوهشی در انتخاب موضوع پژوهش برای شما اهمیت دارد؟ (اصل تشویق) توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا امکان دسترسی به منابع علمی مربوط در انتخاب موضوع پژوهش برای شما نقش دارد؟ (اصل سهولت) توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا جامعه هدف خود را از سایر افراد سازمان ذی‌ربط مجزا می‌کنید و آنها را به‌عنوان یک کل در نظر می‌گیرید؟ توضیحات:
در صورت امکان یا تمایل، می‌توانید گزینه‌های دیگری را که از نظر شما مناسب هستند، اضافه کنید.					

بخش دوم: نتایج پژوهش

۲. آیا شواهد و نتایج حاصل از پژوهش، قابلیت کاربرد در تصمیم‌گیری‌ها را دارد؟

کاملاً موافق	موافق	بی‌تفاوت	مخالف	کاملاً مخالف	
(++)	(+)	(-+)	(-)	(--)	
۵	۴	۳	۲	۱	آیا هنگام طراحی یا انجام دادن پژوهش گروه‌هایی که باید از نتایج آن استفاده کنند، مشارکت داده می‌شوند؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا نیازهای اطلاعاتی واقعی جامعه هدف پژوهش خود را می‌سنجید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا هنگام انجام دادن پژوهش، برنامه‌های تضمین کیفیت (نظیر پروتکل‌های پرسشگری یا کارگاه‌های آموزشی انجام پژوهش) را مد نظر قرار می‌دهید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا زمان بین مشخص شدن مسئله پژوهش شما، شروع آن و سپس ارائه نتایج، متعادل است و بر استفاده از آن تأثیر نمی‌گذارد؟ (به روز بودن مطالب علمی) توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا نتایج پژوهش را به صورت کاربردی و فهم پذیر برای عموم جامعه هدف ارائه می‌دهید؟ توضیحات:
در صورت امکان یا تمایل، می‌توانید گزینه‌های دیگری را که از نظر شما مناسب هستند، اضافه کنید.					

بخش سوم: انتقال دانش

۳. آیا تمهیدات لازم برای انتشار نتایج پژوهش به جامعه هدف در نظر گرفته شده است و اقدامات مناسب برای انتقال صورت می گیرد؟

کاملاً موافق	راضی	بی‌تفاوت	مخالف	کاملاً مخالف	
(+ +)	(+)	(- +)	(-)	(- -)	
۵	۴	۳	۲	۱	آیا با فرایند انتقال دانش حاصل از پژوهش و چگونگی انجام آن آشنایی دارید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا نتایج حاصل از پژوهش‌های خود را پیش از ارزیابی داوران در فرایند انتشار قرار می‌دهید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا نتایج حاصل از پژوهش‌های خود را به صورت پیام انتقال پذیر متناسب با جامعه هدف خود بیان می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا در برنامه‌های عمومی آموزش مربوط به آموزش انتقال دانش و بهره برداری از نتایج پژوهش شرکت می‌کنید؟ توضیحات:
					آیا قابلیت گنجاندن پیام انتقال پذیر را در چارچوب مجلات علمی (که مقالات حاصل از پژوهش‌ها را منتشر می‌کنند) دارید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا در زمان انجام دادن پژوهش، دسترسی سریع جامعه هدف به نتایج تحقیق را مد نظر قرار می‌دهید؟ (روزآمدی) توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا موانع احتمالی تغییر رفتار جامعه هدف برای استفاده از نتایج پژوهش‌ها بتان را شناسایی می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا مسیرهای انتشار منابع موجود در رشته شما پر کاربرد هستند؟ توضیحات:
در صورت امکان یا تمایل، می‌توانید گزینه‌های دیگری را که از نظر شما مناسب هستند، اضافه کنید.					

بخش چهارم: اشتراک دانش

۴. آیا سازوکارهای پذیرفتنی برای مبادله نتایج پژوهش با توجه به محیط و جو سازمانی مربوط به مخاطبان پژوهش در نظر گرفته شده است؟

کاملاً موافق	رتبه	بی‌فکر	مخالف	کاملاً مخالف	
(++)	(+)	(-+)	(-)	(--)	
۵	۴	۳	۲	۱	آیا هنگام انجام دادن پژوهش، از بانک‌های اطلاعاتی حاوی مشخصات محققان و توانمندی‌های آنها برحسب واحدهای سازمانی، برای دستیابی به پژوهش‌های مرتبط و نیز اشتراک نتایج پژوهش استفاده می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا زمینه‌ها و ظرفیت‌های پژوهشی خود را به افراد یا سازمان‌های استفاده‌کننده از پژوهش‌ها اعلام می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا برای زمینه‌سازی اجرای پژوهش‌های مرتبط جلسات منظم و هدفدار را برای توسعه همکاری و استفاده از ظرفیت‌های متقابل برگزار می‌کنید؟ (شبکه همکاری) توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا هنگام انجام دادن پژوهش‌ها، از امکانات کنترل کیفیت سازمان مربوط استفاده می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا مهارت‌های ارتباطی آگاهانه (نظیر جلسات گروهی، مکالمات تلفنی و رودررو و...) را برای تبادل دانش به کار می‌برید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا انگیزه لازم برای شما (از جمله تشویق، وجود قانون‌های مناسب در ارتقا یا ترفیع) به منظور تبادل دانش وجود دارد؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا ساختار (مانند دفتر یا واحد سازمانی) یا نیروی انسانی لازم برای تقویت تبادل دانش، با توجه به مقدار تولید پژوهش‌های انتقال‌پذیر در سازمان ذی‌ربط شما وجود دارد؟ توضیحات:
در صورت امکان یا تمایل، می‌توانید گزینه‌های دیگری را که از نظر شما مناسب هستند، اضافه کنید.					

بخش پنجم: کاربرد دانش

۵. آیا امکانات مناسب برای استفاده بهینه از نتایج پژوهش‌ها در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد؟

کاملاً موافق	رقابت	تقریباً	مخالفت	کاملاً مخالف	
(++)	(+)	(-+)	(-)	(--)	
۵	۴	۳	۲	۱	آیا نتایج پژوهش شما برای سهولت به کارگیری از طریق تارنما یا بانک‌های الکترونیکی منتشر می‌شوند؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا میزان استفاده از نتایج پژوهش‌های خود توسط جامعه هدف را بررسی می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا موانع احتمالی تغییر رفتار جامعه هدف برای استفاده از نتایج پژوهش‌هایتان را شناسایی می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا نتایج پژوهش‌های خود را به صورت کاربردی و مبتنی بر شواهد به منظور سهولت به کارگیری منتشر می‌کنید؟ توضیحات:
۵	۴	۳	۲	۱	آیا در انجام دادن پژوهش‌های خود، به ترجمان دانش (تبدیل علم به محصول) توجه می‌کنید؟ توضیحات:
در صورت امکان یا تمایل، می‌توانید گزینه‌های دیگری را که از نظر شما مناسب هستند، اضافه کنید.					

استنتاج پایانی

در غوغای دنیای دانش محور کنونی دیگر قدرت رقابتی در سازمان‌ها تنها بر پایه سود مادی نیست، بلکه بیشتر بر پایه تولید و رشد کالاها و خدمات مبتنی بر دانش است. بقا و ماندگاری در این اوضاع، به مقابله با چالش‌هایی بستگی دارد که مدیریت صحیح دانش پاسخگوی آن است. اما نکته شایان توجه در این میان، ماهیت غیر ملموس و انتزاعی دانش است که مدیریت مؤثر انتقال، آن را با چالش روبه‌رو کرده است، بنابراین انجام دادن پژوهش‌های بیشتری در حوزه چرخه دانش، ضروری به نظر می‌رسد. در این میان فرایند پیوند «پژوهش» و «عمل» و نیز اطمینان از استفاده بهینه دانش مربوط به نتایج تحقیقات،

مبحثی مهم و ملموس است که امروزه با عبارت «ترجمان دانش» مطرح می‌شود. پژوهشگران مختلفی برای کشف حلقه‌های موجود بین تولید دانش تا کاربرد آن، در عمل تلاش کرده‌اند تا با شناسایی آنها در علوم و جوامع علمی گوناگون که در کار تولید و به‌کارگیری دانش نقش دارند، بتوانند موجبات تسهیل فرایند ترجمان دانش را فراهم کنند، زیرا ترجمان دانش در تمامی حوزه‌های علوم بشری از جمله علوم انسانی حائز اهمیت و دارای نقش اساسی است. البته با توجه به مهجور بودن مبحث ترجمان دانش در علوم انسانی و نیز این مهم که کسب معرفت از پدیده‌ها و رویدادهای انسانی و اجتماعی به‌عنوان واقعیات علمی، هدف بسیاری از عالمان و اندیشمندان است، توجه به ترجمان دانش در علوم انسانی مقوله‌شایان تأملی است. بنابراین طراحی ابزاری برای خودارزیابی ترجمان دانش در علوم انسانی گامی در جهت پیشرفت این مقوله در این علوم است. استفاده از ابزارهای خودارزیابی در ترجمان دانش بسیار مفید خواهد بود، زیرا اصولاً خود پژوهشگران ارزیابی صحیحی از میزان فعالیت‌های ترجمان دانش خود دارند البته این موضوع به وجود آگاهی و درک مشترک از مفهوم ترجمان دانش و مفاهیم و فعالیت‌های مربوط به آن منوط است. این پژوهش با هدف تدوین یک ابزار خودارزیابی برای پژوهشگران علوم انسانی انجام شد و ابزاری شامل سی و سه عبارت در پنج حیطه مجزا شامل مسئله پژوهش، نتایج پژوهش، انتقال دانش، اشتراک دانش و کاربرد دانش است. استفاده از ابزار خودارزیابی ویژه محققان در واقع روشی برای شناسایی و فهرست کردن فرصت‌ها و چالش‌های انتقال دانش است که به‌صورت فردی، به‌کار گرفته می‌شود و نکته مهم این است که این ابزار برای انجام مطالعات پیمایشی و ارزیابی‌های کمی نتایج آنها به‌کار می‌رود. بسیاری از پژوهش‌ها، ساختارهای مفهومی و ابزارهای مرتبط با ترجمان، انتقال و استفاده از دانش را نشان می‌دهند. این تحقیقات اصول مورد نیاز و همچنین حلقه‌های واسط از «تولید دانش» تا «استفاده از دانش» را تبیین می‌کنند که از طریق آنها می‌توان با فواصل موجود بین «استفاده از دانش منتج از تحقیق» و «تولید دانش» آشنا شد. نکته شایان ذکر اینکه باید در تعمیم یافته‌های این گونه تحقیقات به سایر پژوهشگران محتاط بود. از سوی دیگر، چون امکان دارد پژوهشگران، میزان فعالیت انتقال دانش خود را بهتر از واقعیت ارزیابی کنند، شاید خودارزیابی دچار سوگیری اطلاعات باشد.

پی‌نوشت

1. Brink & Belle
2. Canadian Institutes of Health Research(CIHR)

3. Rich
4. Nonaka and Takeuchi
5. Lane & Rogers
6. Hermeneutical
7. Transcendental
8. Creswell
9. Moustakas
10. Clusters of meaning
11. Structural description
12. Essential essence
13. Creswell & Miler
14. Member cheking
15. Peer examination
۱۶. انتخاب و رتبه‌بندی این افراد براساس مقالات نمایه‌شده در اسکوپوس انجام شده است.
17. Saturate.

منابع

۱. جعفرزاده کرمانی، زهرا (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران و ارائه الگوی پیشنهادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲. حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۳. صدیقی ژبلا و همکاران (۱۳۸۶). طراحی مدل ترجمان دانش جهت بهره‌گیری از نتایج پژوهش، فصلنامه پایش، شماره ۷، ۳۵-۴۷.
۴. فضلی، فرزانه (۱۳۹۰). بررسی فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۵. نجات، سحرناز و همکاران (۱۳۸۷). خودارزیابی انتقال دانش در مؤسسات پژوهشی (کاربردی کردن مدل «ترجمان دانش»). فصلنامه پایش، شماره ۲۷، ۲۵۹-۲۶۸.
6. Brink, V. and Van Belle, J.P. (2009). An Exploration of personal factors influencing disposition towards knowledge sharing in a South African context. Available at: <https://>

docs.google.com/gview?url=http://www.commerce.uct.ac.za/informationssystem/ staff/personalpages/jvbelle/pubs/Personal+Factors+Influencing+Knowledge+Sharin g+in+SA.doc&chrome=true. (19 May 2013).

7. Creswell, J. (2007). Qualitative inquiry and research design, Sage publication.
8. Creswell, J and Miler, D. (2000). Determining validity in qualitative inquiry, Theory into practice, 39(3).
9. Estabrooks, C. A., Thompson, D. S., Lovely, J. E., Hofmeyer, A. (2006). A Guide to Knowledge Translation Theory. Journal of Continuing Education in the Health Professions, 26(1): 25–36. Available at: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/chp.48/pdf>. (19 May 2013).
10. Lane, J. P. & Rogers, J. D. (2011). Engaging national organizations for knowledge Translation: Comparative case studies in knowledge value mapping. Implementation Science, 6(106): 1-13. Available at: <http://www.implementationscience.com/content/pdf/1748-5908-6-106.pdf>. (19 May 2013).
11. Moustakas, R. (2011). The essential guide to doing new qualitative researches, Sage publication.
12. Rich, R.F. (1979). The pursuit of knowledge. Science Communication. 1(1): 6-30. Available at: <http://scx.sagepub.com/content/1/1/6>. (19 May 2013).
13. Scott, D. and Morrison, M. (2006). Key ideas in educational research. Continuum International Publishing Group.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی